

فصلنامه علمی- پژوهشی علوم اجتماعی، دوره ۱۱، ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق، زمستان ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۲۶

صص ۹۹-۱۱۰

تحلیل حقوقی جرم‌شناسی ناکارآمدی کیفری اعدام در جرایم مواد مخدر و سایر جرایم تعزیری و تعیین مجازات‌های جایگزین

عمران علی محمدی^۱، دکتر محمدرضا شادمان‌فر^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری تخصصی رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۲- استادیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

چکیده

قانونگذار در جرائم مربوط به مواد مخدر و سایر جرایم تعزیری سیاست سرکوبگری و تشدید مجازات را پیاده کرده است. بدون تردید انگیزه مقنن از اتخاذ چنین تدابیری، قباح و سنگینی این جرائم و نیز خطرناک بودن آن‌ها به حال جامعه است در حالی که به نظر می‌رسد این سیاست کیفری بنا به دلایل متعددی راهگشا نیست و قانونگذار را به هدف خویش که پیشگیری از وقوع و یا تکرار جرم و اصلاح مجرمین است نمی‌رساند؛ به این دلیل که نفس وضع مجازات‌های سنگین بدون در نظر گرفتن علل و عوامل جرم و نیز اوضاع و احوالی که طی آن فردی مرتکب جرم شده است، کار معقول و صحیحی نیست و آنچه باعث ارباب بزهکاران و سایرین از ارتکاب و یا تکرار جرم می‌گردد، سرعت و قطعیت اجرای مجازات‌هاست نه سنگین بودن آن‌ها؛ از لحاظ علمی و تجربی ثابت شده است که سنگین بودن مجازات‌ها و عدم اجازه اعمال نهادهای تعدیل‌کننده مجازات‌ها در مورد جرایم مواد مخدر و سایر جرایم تعزیری چندان کارساز نبوده و مرتکبین این جرائم رو به افزایش‌اند.

واژگان کلیدی: تعزیر، اعدام، مواد مخدر، جایگزین‌های اعدام، سیاست کیفری

* نویسنده مسئول shademanfarmohamadreza@gmail.com

مقدمه

مجازات اعدام از جمله مجازات‌هایی است که در سال‌های اخیر، با چالش‌هایی در حوزه نظر و عمل مواجه بوده است. قانونگذار ایران در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه سال ۱۳۸۹ آن، همواره با تعیین مجازات‌های نامتناسب و سنگین بالاخص اعدام و حبس ابد، سیاست جنایی مبتنی بر سرکوب و کیفر را محور خود قرار داده است اما این سیاست جنایی چندان مورد اقبال سیاست جنایی قضایی (رویکرد دستگاه قضا) قرار نگرفته است. سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً بر محور پاسخ‌های دولتی اعم از کیفری و غیرکیفری می‌چرخد ولی در قسمت پاسخ‌های غیرکیفری ناظر بر پیشگیری و درمان، نقش ارگان‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد محسوس است؛ به هنگام بحث از مجازات‌های جایگزین باید دو گروه را از هم متمایز نمود. گروهی به سرکردگی بکاریا آن‌هایی هستند که طرفدار اصالت بشر نبوده، بلکه فایده‌گرایی هستند که در جستجوی مؤثرترین راه حل‌ها برای تهدید بزهکاری می‌باشند. اینان در عین حالی که با مجازات اعدام به مخالفت می‌پردازند، خصوصیات ارعابی مجازات‌ها را قبول داشته و سعی می‌نمایند مجازاتی را به جای اعدام پیشنهاد نمایند که نظیر ایجاد رعب و وحشت در مجرمین بالقوه همانند اعدام عمل نماید و واجد نفع و فایده‌ای برای جامعه باشد، در همین زمینه بکاریا می‌نویسد: «آنچه مردمان را از ارتکاب جرم باز می‌دارد، نمایش موحش ولی زودگذر مرگ یک تبهکار نیست، بلکه نمونه ممتد و مستمر انسانی است محروم از آزادی که همچون حیوانی بارکش زبان جامعه را با تحمل بار گران جبران می‌کند». ولتر نیز در همین خصوص می‌نویسد: «به جای اعدام و نابودی افراد بهتر آن است که آنان را بصورت دائم محبوس نموده و به کار گیریم. زیرا انسانی که به دار آویخته شده بدر هیچ چیزی نمی‌خورد». لذا می‌بینیم مجازات‌هایی که این گروه به جای اعدام پیشنهاد می‌نمایند عبارتند از: حبس دائم با اعمال شاقه، حبس دائم، تبعید و غیره (وارسته، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۸).

در حقوق کیفری ایران مجازات اعدام در قوانینی نظیر؛ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ قانون مبارزه با مواد مخدر، قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری، قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس و وارد کنندگان، توزیع کنندگان و مصرف‌کنندگان اسکناس مجعول و... آمده است که در این تحقیق نگارندگان با روش تحلیلی - توصیفی به صورت کتابخانه‌ای از طریق فیش برداری به تحلیل حقوقی - جرم‌شناسی ناکارآمدی کیفری اعدام در جرایم مواد مخدر و سایر جرایم تعزیری و تعیین مجازات‌های جایگزین خواهیم پرداخت.

گفتار اول: عدم شمول مجازات اعدام مواد مخدر در درجات مجازات‌های تعزیری

برجسته‌ترین و محوری‌ترین ویژگی تعزیر، درجه‌بندی هشتگانه است. طبق ماده ۱۹، مجازات‌های تعزیری به هشت درجه تقسیم می‌شود:

۱. درجه اول

- حبس بیش از بیست و پنج سال
- جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال
- مصادره کل اموال
- انحلال شخص حقوقی

حبس بیش از بیست و پنج سال در قوانین کیفری ایران به سختی یافت می‌شود و حبس ابد چون یک کیفر جداگانه با میزانی مشخص به اندازه عمر محکوم است، حبس بیش از ۲۵ سال دانسته نمی‌شود؛ پیش-بینی نکردن حبس ابد و اعدام در درجه یک موجب شده صلاحدید قضایی در هاله‌ای از ابهام قرار بگیرد در واقع مقنن نوعی محافظه کاری قانونی کرده است. که این شیوه تقنین مخالف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و رویه معمول کشورها در درجه بندی مجازات‌ها می‌باشد؛ اصل قانونی بودن مجازات‌ها و لزوم تعیین سطح عالی کیفر در درجه اول ایجاب می‌کند که مقنن همانند درجات هفت گانه، حداکثر کیفر حبس و جزای نقدی در ماده ۱۹ صریحاً معلوم و بیان کند.

در ماده‌های گوناگون کتاب نخست قانون، از کیفر اعدام و حبس ابد سخن به میان آمده و نشان از حضور قوی این دو کیفر در نظام کیفری ایران است. از یک سو حبس ابد و اعدام کیفرهایی برابر کیفر حدی‌اند و از سوی دیگر در زیر تعزیر بیان نشده‌اند؛ نگارنده با دو تحلیل اثبات می‌کند که مجازات‌های اعدام و حبس ابد مشمول درجه ۱ ماده ۱۹ قرار نمی‌گیرند.

بند اول: تقسیم‌بندی جرایم به مهم و غیر مهم و تطبیق آن با ضمانت اجرای معین و نامعین

پیش‌بینی دو نوع عمده کیفر "حدود" و "تعزیرات" (مجازات‌های معین یا قطعی و مجازات‌های نامعین یا غیر قطعی) از جمله مفاهیم بسیار معنادار در سیاست جزایی اسلام است. اینگونه تنوع به روشنی از یک سیاست کیفری واقع بین، انسانی حکایت می‌کند. اما در این میان، واقعیت مورد غفلت این است که حدّ و تعزیر درست و دقیق فهم نشده‌اند و از این رو اهداف و مقاصد را که در پس تشریح این دو دسته مجازات قرار دارند، آنچنان که باید و شاید تامین نمی‌کنند. در این مقال و مجال مقصود اصلی نشان دادن فاصله‌ای است که از نظر ما بین تعاریف و برداشت‌های فقهی و حقوقی رایج از حدود و تعزیرات از سویی و مقاصد حکیمانه تشریح آن‌ها، از سوی دیگر وجود دارد.

لکن، «با توجه به توافق اجمالی راجع به تعریف مجازات حد و عدم اختلاف بین فقها درباره‌ی این که مجازات حد مجازاتی است که برای جرایم مشخص توسط شارع تعیین و تصریح شده، ملاحظه می‌شود که، حتی بنا بر بارزترین دیدگاه راجع به تعزیر، راه بر استفاده بهینه از تنوع مجازات‌ها، حد و تعزیر بسته است. زیرا به این ترتیب فهرست جرایم مهم و مستوجب مجازات‌های معین و قطعی شارع نهایی و بسته شده و دیگر، در هیچ زمان و مکانی، جرم مهم دیگری که مجازات قطعی و معین در پی داشته باشد، خارج از سیاهه‌ی حدود در شرع، قابل تصور و تصویب نیست و هر جرمی که مصداق هیچ یک از جرائم حدی منصوص در شرع نباشد، جرم تعزیری است و قابل مجازات "دون الحد" و "بمایراه الحاکم" می‌باشد.» (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۴) زیرا مراد از قاعده تعزیر دون الحد این است که «هیچکس را نمی‌توان از طریق تعزیر، اعدام یا حبس ابد یا حکم به شلاق حدی یا قطع اعضا نمود زیرا این مجازات‌ها در اعمال حدی الزام‌آور است.» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۵: ۱۳۶)

این در حالی است که بی‌گمان در روزگار ما اعمال مجرمانه‌ای وجود دارند که، از سویی، به اندازه‌ی خطیر و مهم شمرده می‌شوند که برای آن‌ها مجازات‌های معین و قطعی پیش‌بینی شده است و از سوی دیگر، با هیچ یک از عناوین مجرمانه‌ی مستوجب حد انطباق ندارند. بی شک جرایمی از قبیل جاسوسی و قاچاق مواد مخدر بسیار بیشتر از جرایم حدی مانند تفخیز و شرب مسکر وخیم و غیر قابل اغماضند و مجازات‌هایی ثابت و قطعی را ایجاب می‌کنند؛ در حالی که در چارچوب هیچ یک از تعاریف جرایم مستوجب حدّ نمی‌گنجد.

از خاستگاه قول فقها به حصر "حدود"، در موارد تعیین شده در شرع، راجع به اینگونه جرایم و مجازات‌ها ناچار باید به یکی از دو توجیه دست یازید:

توجیه اول: اندراج این دست جرایم تحت یکی از عناوین جرایم حدی؛ در این باره باید گفت تنها عنوان جرم حدی که ممکن است پنداشته شود ظرفیت مصادیق مختلف را دارد، "افساد فی الارض" است که فقط مواردی از جرایم می‌توانند مشمول عنوان افساد فی الارض دانسته شود که از مصادیق محاربه به شمار آیند و به اندازه‌ی وخیم باشند که محکومیت به مجازات محاربه را ایجاب کنند، لذا بر فرض صحت، بسیاری از جرایم نوپا ذیل عنوان افساد فی الارض نمی‌گنجد.

توجیه دوم: محسوب نمودن این دست جرایم جزء جرایم تعزیری؛ اشکال این راه حل نیز در این است که «کیفر معین و قطعی نمی‌تواند تعزیر "بمایراه الحاکم" و قابل تطبیق با شخصیت مجرم و احوال ارتکاب جرم شمرده شود به علاوه، "دون الحد" بودن تعزیر با تعزیر شمردن مجازات‌های معین سنگین، از جمله اعدام که به حیات محکوم پایان می‌دهد جور در نمی‌آید.» (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۵)

حکمت شرع و جامعیت و خاتمیت شریعت مستلزم پاسخگو بودن به نیازهای بشر در همه اعصار و امصار است و حکومت او به معنای این است که شارع در کنار بیان احکام عمومی و فراگیر، پاره‌ای احکام مرتبط با

وقایع و اوضاع و احوال خاص زمان و مکان خود صادر کرده است که نباید به عنوان احکام ذاتی و کلی تلقی شوند. به زبان دیگر «استباط و فهم ما از ادله شرعی این است که شارع، در بیان و عمل خود، اولاً در مقام احصاء حصری موارد حد و تعزیر نبوده است؛ و ثانیاً، در همه‌ی موارد درصدد بیان حکم کلی نبوده است؛ بلکه اقوال و افعال شارع مقدس مبین این فراز مهم سیاست کیفری در نظام اسلامی بوده که جرایم بر دو دسته‌اند: مهم و غیر مهم (یا پراهمیت و کم اهمیت). به جرایم دارای اهمیت بیشتر با ضمانت اجرای کیفری معین و قطعی پاسخ داده می‌شود و جرایم دارای اهمیت کمتر می‌توانند با واکنش کیفری نامعین و غیر قطعی پاسخ داده شوند.» (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶)

نتیجه این استدلال این می‌شود که: اختلاف راجع به تعداد حدود از بین می‌رود؛ زیرا دیگر حدود توصیفی و فهرست و احصاء‌شده‌ی نهایی توسط شارع دانسته نمی‌شود تا اختلاف بکنیم که شمار آن چند است و فلان جرم حدی است یا تعزیری، بلکه بسته به مقتضیات مدیریت امور جامعه و ملزومات اعمال حاکمیت، توسط حاکم اسلامی، فهرست جرایم حدی که کیفر معین و قطعی را ایجاب می‌کنند، نوسان پیدا می‌کند. همچنین اختلافات راجع به این که مقصود از "دون الحد" بودن تعزیر چیست از میان می‌رود. بنابراین، ناگزیر نخواهیم بود مجازات‌های معین و احیاناً شدیدترین نوع کیفر نظیر اعدام و حبس ابد را تعزیر محسوب کنیم در حالی که تعزیر کیفر "دون الحد" و "بمیراه الحاکم" است و غیر قابل صدق بر مجازات معین و شدید است. پس با تحلیل فوق مجازات‌هایی نظیر اعدام و حبس ابد در زمره مجازات‌های تعزیری درجه اول قرار نمی‌گیرند.

بند دوم: تصریح مواد قانونی به عدم انطباق مجازات اعدام با درجه یک

در شروع به جرم به موجب ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۰ در بند الف مقرر شده است که: «در جرایمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات، حبس دائم یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است به حبس تعزیری درجه چهار» همچنین در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲/۱۲/۴ در ماده ۳۰۲ مقرر شده است: «به جرایم زیر در دادگاه کیفری یک رسیدگی می‌شود:

الف- جرایم موجب مجازات سلب حیات

ب- جرایم موجب حبس ابد...

ت- جرایم موجب مجازات تعزیری درجه چهار و بالاتر»

مقتن سلب حیات و حبس دائم را به طور جداگانه و مستقل از تعزیر درجه یک شناخته است. پس با توجه با تحلیل‌های موفق مناسبترین پاسخ این است که اعدام و حبس ابد در محدوده‌ی مجازات‌های تعزیری هشتگانه شناخته نمی‌شود.

گفتار دوم: علت کارآمد نبودن کیفر اعدام در جرایم مخدر

ارزیابی‌های دقیق، علمی و منطقی‌ای که نشان دهد مجازات اعدام بازدارنده بوده و توانسته یا می‌تواند در کاهش جرم در حوزه مواد مخدر کمک کند، وجود ندارد؛ گاهی بعضی از پژوهش‌ها نشان می‌دهد زمانی که ریسک قاچاق مواد مخدر تغییر می‌کند در میزان توزیع آن نه تنها تغییری ایجاد نمی‌کند بلکه بیشتر هم می‌شود؛ (ذبحی، ۱۳۹۲: ۶۷) چون وقتی ریسک بالاتر می‌رود تفاوت قیمت در مقصد که تولید کننده است افزایش پیدا کرده و این افزایش قیمت، سودآوری بیشتری را در حوزه مواد مخدر ایجاد می‌کند از این رو افراد با تمایل زیادی وارد بازار غیرقانونی مواد مخدر می‌شوند؛ اگر قرار باشد طبق قوانینی که در حال حاضر به صورت رسمی در کشور وجود دارد و قاچاقچیان براساس میزان موادی که حمل می‌کنند محکوم به اعدام شوند، عمل کنیم تعداد اعدامی‌ها زیاد خواهد شد در حالی که ما می‌دانیم بر اساس آمار رسمی که در کشور وجود دارد مجازات اعدام به آن میزانی که قاچاقچیان مشمول اعدام می‌شوند، اتفاق نمی‌افتد و تعداد اعدامی‌ها به نسبت قاچاقچیان مشمول مجازات کمتر است. این نشان می‌دهد در حال حاضر قوانینی را در کشور داریم که کارآمدی خود را از دست داده‌اند و باید قوانین را بر اساس واقعیات تنظیم کنیم.

بند اول: عدم تناسب جرایم تعزیری و مواد مخدر با مجازات اعدام

بدیهی است که هیچکس مخالف تنبیه و مجازات مجرمین نیست، اما به اعتقاد حقوقدانان تناسبی میان نوع جرم و مجازات آن در جرایم تعزیری و مواد مخدر وجود ندارد و در همین راستا مجازات اعدام در مورد تعزیرات و مواد مخدر در یکی دو سال گذشته مورد نقد و بررسی بسیاری قرار گرفته است؛ از حیث دخالت دادن میزان مواد در میزان مجازات نظام کیفری بیشتر ما از سیستم آمریکایی الگو گرفته در حالی که نظم حقوقی جدید حاکم بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مخالف به خرج دادن چنین شدتی در خصوص مجازات اعدام در مورد مواد مخدر (توسط قانون مبارزه با مواد مخدر اصلاحی ۱۳۸۹) است؛ از این رو لازم است برای رعایت تناسب میان جرم و مجازات در خصوص اعدام مواد مخدر که ماهیتاً هم بیشتر تعزیری محسوب می‌گردد، بازنگری به عمل آید؛ قانون مبارزه با مواد مخدر یک سیاست کیفری شدید دارد و متأسفانه بحث جرم‌شناسی جدی درباره علل و عوامل پدیده قاچاق مواد مخدر صورت نگرفته است؛ بعد حقوق دفاعی در آیین دادرسی کیفری، در سیاست کیفری قانون مبارزه با مواد مخدر وجود نداشته است و لازم است که این سیاست تعریف شود.

تاکنون از تعدد قضات در جرایم مهم مواد مخدر استفاده نکرده‌ایم؛ هم چنین عدم لحاظ تجدید نظرخواهی برای محکومان و وکلای آن موضوعی است که باید به آن توجه کرد؛ رسیدگی به جرایم مربوط به مواد مخدر غیرعلنی است و علمای آیین دادرسی کیفری از جمله مرحوم دکتر آخوندی در هر زمانی به این شیوه رسیدگی انتقاد داشتند. امروز بعد از سه دهه به این نتیجه رسیدیم که راجع به مجازات اعدام فکر کنیم.

طرح حذف و تغییر مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر با هدف کاهش مجازات اعدام و تاثیرگذاری و بازدارندگی مورد توجه کارشناسان و حقوقدانان مجلس قرار گرفت اما علیرغم برگزاری جلسات متعدد با متولیان مبارزه با مواد مخدر و حتی کارشناسان و متخصصان مجمع تشخیص مصلحت نظام به دلیل اختلاف نظرهای بسیار نهایت امر بدین صورت تصویب شد:

براساس ماده واحده این طرح، یک ماده به شرح زیر به عنوان ماده ۴۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳ آبان ۶۷ و اصلاحات بعدی آن الحاق و شماره ماده ۴۵ قانون به ماده ۴۶ اصلاح می‌گردد.

«ماده ۴۵- مرتکبین جرائمی که در این قانون دارای مجازات اعدام یا حبس ابد هستند در صورت احراز یکی از شرایط ذیل در حکم مفسد فی الارض می‌باشند و به مجازات اعدام و ضبط اموال ناشی از مواد مخدر یا روانگردان محکوم و در غیر این صورت حسب مورد «مشمولین به اعدام» به «حبس درجه یک تا سی سال» و جزای نقدی درجه یک تا دو برابر حداقل آن و «مشمولین به حبس ابد» به حبس و جزای نقدی درجه ۲ و در هر دو مورد به ضبط اموال ناشی از جرایم مواد مخدر و روانگردان محکوم می‌شوند.»

الف- «مواردی که مباشر جرم و یا حداقل یکی از شرکاء، حین ارتکاب جرم سلاح کشیده یا به قصد مقابله با مأمورین سلاح گرم و یا شکاری به همراه داشته باشند. (منظور از سلاح در این بند سلاح سرد و سلاح و مهمات موضوع قانون مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و دارندگان سلاح و مهمات غیرمجاز مصوب ۱۳۹۰/۶/۷ می‌باشد)

ب- «در صورتی که مرتکب نقش سردستگی (موضوع ماده ۱۳۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) یا پشتیبان مالی و یا سرمایه‌گذار را داشته یا از اطفال و نوجوانان کمتر از ۱۸ سال یا مجانین برای ارتکاب جرم استفاده کرده باشد.»

پ- مواردی که مرتکب به علت ارتکاب جرایم موضوع این قانون سابقه محکومیت قطعی اعدام یا حبس ابد یا حبس بیش از پانزده سال داشته باشد.»

ت- کلیه جرایم موضوع ماده ۴ قانون مشروط بر اینکه بیش از ۵۰ کیلوگرم باشد و مواد موضوع ماده ۸ قانون مشروط بر اینکه بیش از دو کیلوگرم باشد و درخصوص سایر جرایم موضوع ماده ۸ در صورتی که بیش از ۳ کیلوگرم باشد. اجرای این بند نسبت به مرتکبان، متهمان و مجرمان قبل از لازم الاجرا شدن این ماده منوط به داشتن یکی از شرایط بندهای الف، ب یا پ است.

تبصره- در مورد جرائم موضوع این قانون که مجازات حبس بیش از ۵ سال دارد، در صورتی که حکم به حداقل مجازات قانونی صادر شود، جز در مورد مصادیق تبصره ماده ۳۸، مرتکب از تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط و سایر نهادهای ارفاقی به استثنای عفو مقام معظم رهبری مذکور در بند ۱۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی بهره‌مند نخواهد شد. در صورتی که حکم به مجازات بیش از حداقل مجازات قانونی صادر شود، دادگاه می‌تواند بخشی از مجازات حبس را پس از گذراندن حداقل مجازات قانونی به مدت ۵ تا ۱۰ سال تعلیق کند».

مصادیق محاربه و مفسد فی الارض همانست که شارع مقدس در آیه ۳۳ سوره مائده بدان اشاره کرده است، بنابراین اینکه در مصوبه کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس در باب اصلاح مجازات اعدام مواد مخدر آمده افراد ذیل محارب و مفسد فی الارض هستند و در آن به سقف اوزان مواد مخدر اشاره کرده که فرضاً از این مقدار بیشتر کسی بفروشد یا نگهداری کند، اعدام می‌شود، این تعیین مقدار محل اشکال است؛ به عبارتی کسی که سه کیلو و ده گرم مواد موضوع ماده ۸ قانون م،م،م را نگهداری کرد؛ اعدام شود و کسی که سه کیلو نگهداری کرد به حبس درجه یک محکوم شود یعنی اینجا این ده گرم است که تعیین کننده مرگ و زندگی است و این به دور از انصاف و عدالت بوده و اساساً منشا شرعی هم ندارد لذا بهتر است بحث میزان و اوزان کیلویی معیار و مرزبندی برای اعدام نباشد و آن را در میزان حبس و جزای نقدی، تسری دهند.

بند دوم: اعدام خرده پاها و عناصر غیر اصلی

مدتهاست که اثر بخشی مجازات اعدام به عنوان خشن‌ترین مجازات در زمینه جرایم در دنیا محل سؤال است. از این منظر کشورها را به سه دسته تقسیم می‌کنند: کشورهایی که مطلقاً مخالف مجازات اعدام هستند، کشورهایی که به شدت از مجازات اعدام طرفداری می‌کنند و کشورهایی که طرفدار مجازات اعدام کیفی شدن هستند.

ایران در گروه کشورهایی است که از مجازات‌های اعدامی که کیفی باشد و به جرایم خشن محدود شود، حمایت می‌کند؛ با توجه به اینکه کشور ما در مجاورت بزرگترین تولید کننده مواد مخدر دنیا قرار دارد، در این نقطه از مرز ایران تعدادی از قاچاقچیان با جرایم سازمان یافته‌ای از قبیل راه اندازی کاروان‌های مسلحانه و آدم ربایی اقدام به قاچاق مواد مخدر می‌کنند که گاهی منجر به درگیری با نیروی انتظامی و شهادت مأموران نیروی انتظامی می‌شود.

با توجه به اینکه امروزه بحث بازنگری در قانون فعلی مطرح است، می‌توان گفت مجازات‌های فعلی کمی است مثلاً افراد بر اساس میزان موادی که حمل می‌کنند محکوم به اعدام می‌شوند در حالی که کسانی که به دام قانون می‌افتند عمدتاً حاملان و باربرانی هستند که بار قاچاقچیان بزرگ را حمل می‌کنند؛ بخش عمده این افراد مستوجب و مستحق اعدام نیستند و مجازات اعدام نباید متوجه این افراد شود. اعدام باید متوجه قاچاقچیان شود که در کنار قاچاق مواد مخدر جرایم سازمان یافته دیگری را مانند خشونت، درگیری مسلحانه و راه اندازی کاروان‌های مسلحانه مرتکب می‌شوند و مبادرت به پولشویی کرده و با جریان‌های مالی به سمت تروریسم و گروه‌های سازمان یافته پیش می‌روند.

بحث مجازات اعدام در مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز مطرح شده و البته دانشکده‌های حقوق دانشگاه‌ها نیز به این موضوع ورود کرده‌اند تا بازنگری قانون به سمت کیفی سازی مجازات اعدام و محدود کردن جرایم خشن سوق داده شود.

بند سوم: عدم کارایی موثر مجازات اعدام تعزیری

رابطه‌ای میان کاهش میزان قاچاق مواد مخدر و اعدام قاچاقچیان وجود ندارد، دو گروه همیشه در صحنه اعدام قاچاقچیان حضور دارند؛ گروه اول افراد عادی هستند که تماشای این صحنه‌ها باعث ترسوتن شدن آنها خواهد شد. گروه دوم قاچاقچیان و مجرمان هستند.

تماشای صحنه اعدام اغلب باعث کاهش انگیزه آنها برای بروز جرم نخواهد شد بلکه راه و روش قاچاق را تغییر می‌دهد؛ امروزه در ایران علیه قاچاقچیان مجازات‌های بسیاری صورت می‌گیرد اما آمارها از افزایش روز به روز قاچاق مواد مخدر در کشور خبر می‌دهند بنابراین اعدام منجر به کاهش بروز جرم نخواهد شد؛

بهترین راه جلوگیری از قاچاق مواد مخدر کاهش انگیزه‌های مجرمانه است، مهمترین عاملی که باعث بروز جرم و جنایت می‌شود بیکاری است؛ متأسفانه در جامعه ما فرصت‌های برابر و اشتغال به اندازه کافی وجود ندارد؛ اهداف مهم برای انسان‌ها هر روز مشخص می‌شوند اما راه‌های رسیدن به آنها برای همه وجود ندارد؛ نبودن راه‌های کافی برای رسیدن به اهداف افراد در زندگی باعث بروز کجروی در جامعه خواهد شد؛ متأسفانه در جامعه فاصله طبقاتی در حال افزایش است که این مسأله توانسته باعث افزایش جرم و جنایت، خودکشی و فرار از خانه شود. فاصله طبقاتی در تحریک طبقه محروم برای انجام کج رویه‌ای اجتماعی بسیار مؤثر است.

گفتار سوم: تعیین مجازات‌های جایگزین اعدام

موضوع مواد مخدر ابعاد فراوانی دارد، از ابعاد اقتصادی و اجتماعی و حقوقی گرفته تا مسئله پول‌های کثیف؛ ولی جنبه‌ی انسانی آن از همه مهمتر است؛ باین همه با وجود اینکه همه ساله آمار زندانیان و محکومان به اعدام در حوزه مواد مخدر اعلام می‌شود؛ اما به تازگی انسانی نهفته در پس آن کم‌توجهی می‌شود؛ در نظام حقوقی ایران و برخی کشورها، مجازات اعدام، شدیدترین پاسخ کیفری به قاچاق مواد قانون منع کشت خشکاش و استعمال تریاک مصوب وارد حقوق مواد مخدر ایران شد و سپس در قوانین بعدی مربوط به مواد مخدر از جمله قانون تشدید مرتکبان اصلی مواد مخدر، این مجازات حفظ شده است. هرکس بیش از ۳۰ گرم هرویین، مرفین، کوکائین، متادون و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین و نیز عصاره شیمیایی حشیش و روغن حشیش را وارد کشور کند نیز به اعدام محکوم می‌شود. پیش از سال ۱۳۹۰؛ نگهداری و خرید و فروش برخی از مواد مخدر مانند حشیش و مواد مخدر صنعتی مجازات اعدام نداشت که در این سال با اصلاحیه‌هایی همراه شد.

مجمع تشخیص مصلحت نظام با مصوبه‌ای اعلام کرد که هر فردی که بیش از ۳۰ گرم مواد مخدر از نوع حشیش یا مواد صنعتی حمل، خرید، فروش و نگهداری کند مجازاتش در حکم مجازات مواد مخدر از نوع هروئین است؛ در ماه‌های پایانی سال ۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی طرح اصلاح مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر را اعلام وصول کرد؛ با وجود این، از زمان شروع نخستین بحث‌ها در مورد مجازات اعدام برای جرائم مواد مخدر و روانگردان، مخالفت‌ها و موافقت‌ها در این خصوص وجود داشت. افزایش انتقادات از بازدارنده نبودن مجازات قاچاق مواد مخدر منتج به ارائه طرحی در مجلس نهم شد که براساس آن مجازات اعدام قاچاقچیان مواد مخدر دستخوش تغییراتی بنیادین خواهد شد بعد از اینکه قانون مصوب سال ۶۷ مبارزه با مواد مخدر دوبار در سال‌های ۷۶ و ۸۹ مورد بازنگری و اصلاح قرار گرفت، انتظار می‌رفت سیستم مبارزه با مواد مخدر و قاچاقچیان، به بازدارندگی لازم برسد و تاحدودی از آسیب‌های مستقیم و غیرمستقیم این معضل اجتماعی بکاهد اما بعد از گذشت حدود ۶ سال از انجام آخرین اصلاحات، بازهم کارشناسان و مسئولان مختلف به این نتیجه رسیدند که این قانون همچنان دارای ایراداتی است که نه تنها در بازدارندگی مبارزه با مواد مخدر تأثیر لازم را نداشته بلکه باعث تشدید آسیب‌های اجتماعی در برخی حوزه‌ها نیز شده است.

از آنجا که عمده مجازات‌های تعیین شده در قوانین کشور، محدود به اقدامات سلبی است و همچنان شاهد هستیم که درباره برخی تخلفات و نه جرایم، مجازات حبس در نظر گرفته می‌شود و قانونگذاران سعی دارند عطش خود در نشان دادن قاطعیت مبارزه با جرایم و تخلفات را به جای اینکه در بستن منافذ وقوع جرم و تخلف نشان دهند، در تعیین مجازات‌هایی چون حبس و اعدام به رخ بکشند و همین رویکرد درباره مبارزه با جرایم تعزیری و جرایم مواد مخدر نیز صورت گرفته است؛ بنابراین، در شرایط کنونی، به نظر می‌رسد بررسی این موضوع چه از لحاظ سیاست جنایی جرایم تعزیری و جرایم مواد مخدر و روانگردان و چه از لحاظ اصول حقوق جزا، ضرورت دارد تا بتوان به نتیجه‌ای علمی و روشن در این مورد رسید که آیا مجازات اعدام در جرائم یاد شده می‌تواند نیازهای جامعه کنونی از یکسو و مقتضیات نظام حقوقی معاصر ایران را تأمین کند یا خیر؟

بند اول: مجازات‌های جایگزین حکم اعدام در نظام‌های کیفری بین‌المللی

الف. حبس ابد

اصطلاح حبس ابد اغلب بسیار گیج‌کننده بوده و از یک کشور به کشور دیگر متغیر می‌باشد و شامل موارد زیر است:

حکم به مجازات حبس ابد یا حبس‌های طولانی‌مدت به صورت قطعی برای چند سال که بعد از آزاد شدن زندانی و سپری شدن میزان محکومیت هیچگونه محدودیت کیفری بر او تحمیل نمی‌شود حکم به حبس برای حداقل چند سال که بعد از آن در شرایطی خاص زندانی ممکن است آزاد شود و در حالت طبیعی محبوس شدن تا هنگام مرگ و پایان زندگی بدون هیچگونه امکان آزاد شدن و یا اینکه گاهی اوقات مورد عفو قرار می‌گیرد محکومیت به حبس‌های طولانی‌مدت و قطعی عموماً این‌گونه فرض می‌شود که مجازات‌های جایگزین حکم اعدام بعد از آنکه این مجازات از قوانین کیفری کشورها حذف شد مورد پذیرش قرار گرفت. گرچه تمامی کشورها حکم به مجازات حبس ابد را به جای حکم اعدام را نپذیرفته‌اند. اما به جای آن مجازات‌های دیگری را نیز بکار گرفته‌اند. برای مثال در اسپانیا حبس‌های بلندمدتی را در قوانین خود تصویب کرده‌اند که می‌توان گفت از مجازات حبس ابد قطعی‌تر است. اما حبس ابد حداکثر به مدت سی سال می‌باشد. همچنین کشورهای برزیل، کلمبیا، ال سالوادور، نیکاراگوئه، نروژ، پرتغال و ونزوئلا محکومیت به حبس ابد را نپذیرفته‌اند شاید تعجب‌آور باشد که زندانیان در این کشورها مدت زیادی را در زندان به سر می‌برند و این ممکن است بسیار بیشتر از حداقل مجازاتی باشد که گاهی اوقات برای محکومیت به مجازات حبس ابد صادر شده است. برای مثال در کشور کروتیا حداکثر مجازاتی که ممکن است به مجرم تحمیل شود چهل سال باشد و در کشور جورجیا حداکثر مدت حبس برای محکومان به حبس از ۲۵ تا ۳۰ سال متغیر می‌باشد. (Her Majesty's, ۲۰۰۹, ۷۵)

مهمترین دلایلی که در پشت پرده‌ی این‌گونه افکار و نظام‌های حقوقی در کشورها وجود دارد این است که صدور حکم به مجازات حبس ابد این امکان را به مجرم نمی‌دهد که دوباره دست به اصلاح خود بزند و بایستی این امکان برای آنها فراهم شود که دوباره به جامعه برگشته و اصلاح شوند. همچنین برای مثال در کشور اسپانیا این هنجار مورد پذیرش قرار گرفته است که دولت نمی‌تواند به صورت نامحدود آزادی شهروندان را سلب کند.

ب. محکومیت به حبس‌های غیرقطعی و تقلیل‌پذیر

بسیاری از کشورها مجازات حبس ابد را پذیرفته و آنها را در قوانین خود گنجانده‌اند ویژگی اصلی و ذاتی این مجازات این است که غیرقطعی بوده اما گاهی اوقات این امکان وجود دارد که زندانی آزاد شود (از لحاظ نظری یا واقعی). اغلب این کشورها اقدام به تصویب حداقل مقررات و قوانینی می‌کنند که بایستی قبل از آنکه محکومیت زندانی مورد بازبینی مجدد قرار گیرد از طرف وی رعایت شود و آنها را اجرا کند. اینگونه بازبینی‌ها همیشه منجر به آزادی زندانی نمی‌شود. این امر به معنای آن است که زندانی در زندان نگه داشته می‌شود تا آن هنگام که آزاد شدن وی از زندان دال بر اصلاح و بی‌خطر شدن او باشد. برای مثال در کشور انگلستان کسی می‌تواند برای تمام عمر خود در زندان نگه داشته شود که قاضی تشخیص دهد که آزاد شدن زندانی هنوز هم برای جامعه خطرناک بوده و نیاز به اصلاح بیشتر در زندان دارد. هنگامی که زندانی از زندان آزاد شود ممکن است در تمام طول عمر مورد نظارت قرار گرفته به این صورت که حکم محکومیت او معلق شده و در دوران گذراندن حکم مورد تعلیق بایستی خود را به نهادهای خاص معرفی کند ولی گاهی اوقات نیز زندانی بایستی تا پایان عمر طبیعی خود در زندان بسر ببرد. محکومیت‌های غیرقطعی می‌توانند به عنوان یک فرصت جایگزین و اساسی در مجازات افراد محکومین شناخته شود. و حتی گاهی اوقات عدم تعیین میزان حبس به صورت قطعی می‌تواند از لحاظ روانی به سلامت زندانیان ضربه بزند. (Susan, Hidden, ۲۵۳, ۲۰۰۵, Victim.)

عدم قطعیت در آزاد شدن زندانی این فرصت را از زندانیان می‌گیرد که دست به اصلاح مجدد خود و آمادگی برای ورود دوباره‌ی خود به جامعه بزند. یک فرد محکوم به حبس ابد ممکن است بداند که هیچگاه

بر روی آزادی مجدد او نباید اعتماد کند. این گونه محکومیت‌های غیرقطعی صدمات بسیار شدیدی را بر روی زندگی آنها به جای می‌گذارد. در برخی از موارد زندگی آن‌ها لحظه به لحظه در معرض نابودی قرار می‌گیرد. آنها هرگز نمی‌دانند که خودشان را در معرض محکومیت قرار داده‌اند که مجازات آن حبس ابد است چرا که فعل آنها در نتیجه یک لحظه غفلت بوده است مثال‌هایی برای محکومیت به حبس ابد‌های غیرقطعی تفاوت این نوع مجازات در انگلستان و ولز مابین محکومیت‌های به حبس ابد اجباری و تعزیری می‌باشد به این صورت که تا هنگامی که محکوم بیش از ۱۵ سال از دوران محکومیت خود را سپری نکرده باشد این امکان وجود ندارد که در محکومیت وی تجدیدنظر شود. در آلمان محکومان به حبس ابد پس از آنکه حداقل ۱۰ سال از دوران محکومیت خود را سپری کردند ممکن است حکم محکومیت آنها مورد تجدیدنظر قرار گیرد. در دادگاه جزایی بین‌المللی افراد محکوم به حبس ابد تا هنگامی که ۲۵ سال از محکومیت خود را نگذرانده باشند حکم محکومیت آنها مورد تجدیدنظر قرار نخواهد گرفت. در کانادا برای اینکه حکم محکومیت زندانی مورد تجدیدنظر قرار گیرد و یا اینکه مورد عفو قرار گیرد بایستی ۲۵ سال از محکومیت خود را سپری کرده باشد در ایالات متحده آمریکا حداقل دوره‌ای که محکوم به حبس ابد باید سپری کند تا اینکه در محکومیت او تجدیدنظر شود و یا به صورت مشروط آزاد شود در ایالت‌های مختلف فرق می‌کند. این مقدار در ایالت کارولینای شمالی ۲۰ سال و در ویرجینا ۲۱ سال و در آریزونا ۲۵ سال و در ایالت‌های فلوریدا جورجیا کنتاکی نیویورک و تسنی ۲۱ سال و در ایالت اینریانا ۳۰ سال و در مینه سوتا نیوجرسی نیومکزیکو داکوتای شمالی و کارولینای جنوبی ۳۳ سال و در آلاسکا ۳۵ سال و در مکزیک ۳۰ سال و همچنین در کانزاس ۴۰ سال می‌باشد. در کشور روسیه که در سال ۱۹۹۹ مهلت‌های قانونی از اجرای مجازات را مورد تجدیدنظر قرار داد به محکومان به حبس ابد این امکان و فرصت را داد که بعد از گذشت ۲۵ سال از دوران محکومیت خود بتوانند از این حق استفاده کنند.

(۱۲۶, ۱۹۹۹, Rachel & Norgard) ولی در عمل شانس بازگشت آن‌ها به زندگی اجتماعی بسیار

پایین بوده و تنها تعداد کمی از زندانیان این امکان را داشتند که از زندان آزاد شوند.

پ. محکومیت‌های اجباری و تعزیری

هر جا که حکم حبس ابد به کار برده می‌شود محاکم قضایی معمولاً میان محکومیت‌های تعزیری و اجباری فرق قائل می‌شوند جرائمی که به ذات خود دربردارنده‌ی حکم به حبس ابد هستند و آن‌هایی که مورد تعزیر قرار می‌گیرند بسته به شخصیت مرتکبان اینگونه جرائم و شدت جرائم ارتكابی ممکن است مورد عفو و بخشودگی واقع شوند. در واقع احکام اجباری در مواردی به کار می‌روند که صلاحیت و اختیارات قضات توسط قانون محدود شده باشد. در بعضی از کشورهای اروپایی و آمریکایی احکام حبس ابد اجباری اغلب در مورد جرائمی مانند قتل به کار می‌رود آنگونه که در مورد نیوزیلند و انگلستان اجرا می‌شود. در کانادا سایر جرائم خشن مانند قتل عمد تجاوزات جنسی مشدده و آدم‌ربائی مرتکبان آنها محکوم به حبس ابد می‌شوند اما تنها به عنوان یک حکم تعزیری به کار برده می‌شوند. حبس ابد در کشور کنیا اخیراً در خصوص جرائم تجاوز جنسی و اعمال غیراخلاقی براساس قانون جرایم جنسی مصوب سال ۲۰۰۶ به کار برده می‌شود گرچه در تمامی جرائم مستوجب مجازات قضات محاکم بایستی اقدام به صدور احکام تعزیری نمایند. استدلالی که برای صدور احکام اجباری وجود دارد این است که جرائمی که بسیار شنیع و زشت بوده دارای اثرات بیشتری بر عموم افراد جامعه داشته و از این طریق بایستی از ارتکاب مجدد آن‌ها توسط مجرمان و سایر افراد جامعه جلوگیری شود. (Siegel, Larryj, ۲۰۱۲, p1۵۹)

با این وجود این فرصت به مجرمان داده شده است که در صورت ارتکاب جرم دادگاه را از عمل خود مطلع کرده به نحوی که دادگاه این اقدام او را مورد توجه قرار می‌دهد. این موضوع می‌تواند دربرگیرنده‌ی عوامل طبیعی و محیطی احاطه‌کننده‌ی جرم بوده و نیز گذشته‌ی مجرم را نیز می‌تواند در این امر دخالت دهند همچنین مشکلات و مسائل اجتماعی و ذهنی و قابلیت اصلاح مجدد مرتکب نیز می‌تواند مؤثر واقع شود. در این که یک دادگاه تنها بایستی برای ارتکاب جرائم مهم اقدام به صدور حکم حبس ابد نماید. شکی نیست که هیچگونه شرایط و اوضاع و احوال مخففه‌ای برای مرتکب وجود نداشته باشد.

ت. احکام حبس ابد بالفعل

مجرمان با توجه به سن آن‌ها در هنگام ارتکاب جرم حالت روحی و جسمی و شرایط ارتکاب جرم طول آن سابقه محکومیت قطعی کیفری و تعداد محکومیت‌های وی ممکن است محکوم به برخی از احکام محکومیت بالفعل و عملی گردد این مورد در آفریقای جنوبی اتفاق افتاده است. آنجا که صدور محکومیت‌های قطعی متعدد می‌تواند حبس‌هایی طولانی‌تر از حبس ابد را در پی داشته باشند. در اوگاندا قانونگذار مجموعه‌ای از قوانین را تصویب نموده که مدت زمان حبس ابد ۲۰ سال است. گرچه حذف مجازات اعدام قضات را مجبور به صدور احکام حبس ابد و مجازات‌های جایگزین آن نموده است از این‌رو همانگونه که در ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۰ پنج زندانی محکوم به حبس ابد شدند اما یکی از آنان محکوم به ۶۵ سال حبس و سایرین محکوم به تحمل ۲۲ تا ۶۰ سال حبس شدند. جرائمی که منجر به اینگونه حبس‌های طولی‌المدت می‌شدند شامل قتل، سرقت مقرون به آزار تجاوز، تجاوز جنسی مشدد و آدم‌ربائی با قصد قتل بودند. در برخی از ایالات آمریکا که از محکومیت‌های حبس ابد استفاده نمی‌کردند قضات مجبور بودند که از مجازات‌های تکمیلی برای صدور حکم به مجازات حبس ابد استفاده کنند. برای مثال در سال ۲۰۰۵ در ایالت کانزاس یک قاتل زنجیره‌ای محکوم به ده مجازات حبس ابد شد که یکی از احکام به خاطر یکی از قربانیان حادثه بود. بدین معنا که زندانی هیچگاه مورد عفو قرار نخواهد گرفت مگر اینکه حداقل ۱۷۵ سال را در زندان بسر برد. (GARLAND, ۲۰۱۰, ۳۱).

اینگونه محکومیت‌ها شانس مورد عفو قرار گرفتن زندانی را بدون توجه به شدت جرائم ارتکابی توسط وی کاهش می‌دهد. در ایالت ویسکانسین قضات صادرکننده حکم این توانایی و صلاحیت را دارند که تاریخ مورد عفو قرار گرفتن محکوم را معین کنند که در واقع بسیار بیشتر از زندگی طبیعی یک شخص می‌باشد. در مجموع قوانین کشورهای مختلف راه حل‌های مختلفی برای جایگزین مجازاتی مناسب به جای اعدام در نظر گرفته شده است. بعضی از کشورها که طبق بندی مجازات‌های آنها بر اساس شدت و ضعف می‌باشد، بلافاصله مجازات بعد از اعدام را به جای آن اعمال می‌نمایند که در برخی از کشورها حبس دائم یا حبس با اعمال شاقه می‌باشد. بعضی دیگر از کشورها پس از لغو اعدام به جای آن مجازات دیگری که شدیدتر از حبس دائم می‌باشد، اعمال می‌نمایند؛ اما آنچه عملاً در حقوق کیفری کشورها جانشین اعدام می‌گردد، مجازات حبس می‌باشد که غالباً در مورد جنایات مهم، طولانی‌ترین مدت آن را مورد حکم قرار می‌دهند.

بند دوم: مجازات‌های جایگزین حکم اعدام در نظام کیفری ایران

با توجه به اینکه وضعیت اعدام در ایران اصلاً مطلوب نیست و اگر قرار بود تمام پرونده‌هایی که مطابق قانون حکم دارند، منجر به اجرای حکم می‌شد، سالانه ده‌ها هزار مورد اعدام داشتیم و اگر جرائمی که مطابق قانون مجازات آن‌ها اعدام است، تماماً کشف و رسیدگی شود، این رقم شاید به ارقام بسیار وحشتناکی بالغ می‌شد و در واقع بخش اعظم این جرائم کشف نمی‌شود و آن‌ها هم که کشف می‌شود به ویژه در موارد مخدر با تخفیف مواجه می‌شود، با وجود این هنوز هم تعداد اعداها در ایران بسیار بالاست. گرچه دلایل متعددی برای اعدام ارائه می‌شود، اما مهمترین آن، که معمولاً و مکرراً بیان می‌شود، نقش بازدارندگی آن است. به عبارت دیگر قانونگذار یا جامعه فکر می‌کند که با افزایش هزینه ارتکاب جرم، مانع از انجام آن خواهد شد، اما واقعیت چیز دیگری است. مجازات شرط لازم و نه کافی برای شرط جرم است. ضمن اینکه اگر از حد معینی بیشتر شود، ممکن است در برخی موارد نقش بازدارندگی خود را از دست بدهد، به علاوه با افزایش مجازات، در برخی جرائم، منافع ارتکاب جرم هم بیشتر و در نتیجه رغبت به آن افزونتر می‌شود و از همه این‌ها گذشته مطالعات تجربی نشان داده است که مجازات اعدام چندان هم مانع از افزایش ارتکاب جرم نیست و مجازات‌های اجرا شده در زمینه مواد مخدر نمونه روشن آن است.

شاید تحریک به افزایش مجازات برای از میان بردن نابسامانی‌ها در برخی جوامع، راه مناسبی برای ایجاد آرامش خاطر و کسب نظر موافق مردم به سوی خود باشد، اما در واقعیت امر چنین روشی کارآمد نیست. اگر گرانی را نمی‌توان با مجازات یا کشتن گران‌فروش از میان برد. قطعاً مواد مخدر و زنا و سایر جرائم مستوجب این مجازات را هم نمی‌توان صرفاً با اعدام از میان برد. به نظر می‌رسد که بازنگری در سیاست

جنایی و کیفری موجود نه تنها، امکان پذیر ضروری است و اتفاقاً این کار را می‌توان با رعایت جوانب شرعی و استفاده از اختیارات حکومت به نحو شایسته‌ای انجام داد و برخی از فتاوای متأخر و گذشته نیز راهگشای آن است. و از طرفی در عین حالی که در اسلام مجازات اعدام و بطور کلی قصاص را ضامن بقاء و حیات اجتماع دانسته مع الوصف با وضع قانون اخلاقی (عفو) و صرفنظر کردن از حق قصاص در صورت لزوم و اقتضاء مصلحت عالی‌تری دست اجتماع را در اخذ تصمیمات مقتضی، باز گذارده تا اگر احیاناً شرایط ایجاب کرد مثلاً حال مجرمی طوری بود که صرف نظر نمودن از اعدام وی او را متنبه و اصلاح و بیماری او را معالجه خواهد کرد او را تبریئه و عفو و باصلاح، در مجازات وی تخفیف قائل شوند و از اینجا معلوم می‌شود که دائره مجازات اعدام در اسلام چون ضمیمه عفو را نیز در بردارد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی با توجه به تقسیم‌بندی جرائم بر اساس موازین شرعی به قصاص، حدود، دیات و تعزیرات اولاً: در سه نوع اول به هیچ عنوان تخفیف وجود ندارد یا باید مجازات کلاً اجرا گردد یا کلاً ساقط گردد، فقط به طور استثنا در قصاص، دیه جایگزین اعدام می‌شود که آنهم اختیاری و از حقوق اولیاء دم می‌باشد، ثانیاً: در تعزیرات که اصول کلی حاکم بر کیفیات مخففه و غیره اجرا می‌گردد. چون وجود اعدام به عنوان مجازات تعزیری محل تردید بوده و قابل بحث می‌باشد، به طریق اولی بحث از مجازات جایگزین پیش نمی‌آید؛ بنابراین با توجه به دستورات اسلام و ادله مخالفان اعدام می‌توان از جایگزین همچون تبعید و حبس به جای اعدام استفاده کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به این که بسیاری از کشورها، اعدام را از قوانین خود به صورت عملی یا قانونی حذف نموده‌اند و در این راستا به اسناد بین‌المللی و علی‌الخصوص اسناد منطقه‌ای نیز پیوسته‌اند، وجود سند بین‌المللی که به لغو مجازات اعدام در همه‌ی زمان‌ها بدون هیچگونه شرطی بپردازد و در ضمن دارای مجازات جایگزین باشد، ضروری به نظر می‌رسد. هر چند که اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در جهت محدودیت و لغو مجازات اعدام به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای دست یافته‌اند، ولی در اسناد جهانی مجازات جایگزینی برای اعدام در نظر گرفته نشده است. علت این امر شاید وجود نظام‌های قضایی متفاوت در کشورهای جهان می‌باشد. در راستای حل این مشکل بهتر می‌بود که حداقل اسناد منطقه‌ای با توجه به نظام‌های حقوقی موجود در هر منطقه‌ای، مجازات‌های جایگزینی در نظر بگیرند و کشورهای عضو نیز یکی از آن‌ها را بنابر نظام قضایی خود انتخاب نمایند.

بلافاصله پس از پذیرش الغاء مجازات اعدام در کشورها، مسأله دستیابی به مجازات جایگزین مناسبی به جای آن مورد توجه حقوقدانان و قانونگذاران کشورهای مختلف قرار گرفت؛ مجازاتی که در عین حال که آثار اعدام را تأمین می‌نماید؛ با اهداف جدید حقوق کیفری نیز مطابقت نماید. البته این مسأله اشاره نموده و در مورد مجرمین غیر قابل اصلاح که معمولاً اعدام را برای آن‌ها تجویز می‌کردند؛ معتقد بود که باید برای این گروه از مجرمین نیز زندانی ساخته شود، منتهی زندان آن‌ها باید در محل دور افتاده برپا شده و به نحوی ساخته شود که از اسم آن دریافت که مکان عذاب و مشقت است.

بنابراین، به نظر می‌رسد، از یکسو، مجازات اعدام با شیوه اجرای کنونی آن، در خصوص جرائم مرتبط با مواد مخدر و روانگردان از بازدارندگی لازم برخوردار نیست. بدین ترتیب، از آنجا که محقق، خود نیز مخالف حذف مجازات اعدام در جرائم مواد مخدر و روانگردان به طور کلی است، از یکسو، در جهت بازدارنده کردن مجازات اعدام در این جرائم (از طریق روش‌هایی که بازدارندگی را افزایش می‌دهد) کوشید و از سوی دیگر، تا حدی که نظام حقوقی کشور و شرع مقدس اجازه می‌دهد، مجازات‌های دیگری را به عنوان جایگزین (از جمله حبس‌های سنگین مندرج در ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، منع اقامت در یک محل معین یا اجبار به اقامت در یک محل معین و منع اشتغال به برخی مشاغل و ...) و همچنین حذف این مجازات از خرده پها و اعمال آن بر روی مرتکبان عمده و گسترده را در نظر گرفته است. از سوی دیگر، با نگاهی به قانون مبارزه با جرائم مواد مخدر و روانگردان، معلوم می‌شود که این قانون، بیش از توجه به

اقدامات پیشگیرانه، به اقدامات سرکوبگرانه توجه داشته است؛ بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که در اصلاحات بعدی این قانون باید به اقدامات پیشگیرانه، توجه بیشتری مبذول شود.

فهرست منابع

- ۱- اسعدی، سید حسن ۱۳۹۱، مواد مخدر و روانگردان در حقوق جنایی ملی و بین‌المللی، تهران، نشر میزان، چاپ دوم.
 - ۲- حسینی، سید محمد ۱۳۹۳، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم.
 - ۳- ۱۳۸۹، مجازات‌های بازدارنده: اشکالات نظری و عملی؛ فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۲.
 - ۴- ۱۳۸۸، حدود و تعزیرات (قلمرو، انواع، احکام)، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، فصلنامه حقوق، شماره ۱، تهران.
 - ۵- ذبحی، حسین ۱۳۹۶، شرح جامع قانون مبارزه با مواد مخدر: مصوب ۱۳۶۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی در نظم حقوقی جدید، جلد دوم، چاپ اول، انتشارات قوه قضاییه.
 - ۶- کرامتی معز، هادی ۱۳۹۴، مبانی و کارکردهای درجه بندی مجازات‌های تعزیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تهران.
 - ۷- مکارم شیرازی، ناصر ۱۴۲۵، تعزیر و گستره آن، جلد اول؛ انتشارات مدرسه امام علی بن ابی‌طالب علیه السلام، قم، چاپ اول، ۱۴۲۵.
 - ۸- وارسته، پیام ۱۳۹۱، سیاست جنایی ایران در قبال مجازات‌های سالب حیات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی.
۲۸. General Assembly third committee, ۲۰۱۱, topic: Abolishing the Death Penalty. septambr .
- ۱۰- King , Rachel & Norgard , Ketherine , ۱۹۹۹, What About Our Families ? Using The Impact On Death Row Defendants Families Members As a Mitigating Factor In Death Penalty.
- ۱۱- Schabas William A , ۲۰۱۴, Public opinion and the death penalty , capital punishment , strategies for abolition , forth edition , New York ,Cambridge university press.
- ۱۲- Sharp , Susan , Hidden Victim , ۲۰۰۵, : The Effect Of Death Penalty On Families Of The Accused .
- ۱۳- siegel, Larry J. , ۲۰۱۲, criminology, westwadsworth, publishing, Eleventh edition.
- ۱۴- Mahling, Randi, David J. Triggler ۲۰۰۸. "Methamphetamine" (The Straight Facts). ISBN